

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش نامه کوشمان

بهیچ حزب -
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

سال اول - شماره ۳۷ ۲ شنبه ۱۲ آذر ۱۳۲۴ ۲۰۰۰ شماره ۴۰۰ ریال

یادداشت سفارت شوروی

انها با گماردن عناصر ملی بکارهای حساس
میتوان از وخامت اوضاع کاست

راه نا مشروع هفتی ندارد و جز برای تأمین آن بهیچ منظور دیگری
خود را بین میز دوستی نه چسبیده است و چون خوب دست کشیم
ما مقصدی کینکاکوی بنامیم خواهیم فوید که همه اینها با هم بستگی
داشته و در راه به اعاد است که آنها هم خون من را میبکنند آنها اتحاد
در دراه استفاده های نامشروع و برای بیچاره کردن مردم بکار
میرند ولی ما اتحاد را قطع گاهی آن هم در حرف میبایم.
هر وقت صدائی از گوشه ای بلند شود یا فریاد نا رضایتی
مردم شناس کرد هین عده که بقیقت بومل ان، بقیقت ماچرا
جو واز اشرار بنام منی هستند پیراهن وطنپرستی! خود را چاک
زده دیگران را شائن، وطن فروش، یاقی، ماچرا جو، منچاسر و
منع آن میباشد و در هین موقع است که «مصلح عالیه منلکت»
<تاریخ شش هزار ساله> «تصمیم ملی»، «خیرت یا بردباری» «ملت
دروصرتیکه از کلبه این اعمال واستعمال بیورد کلبه این جبارات
ملت ایران بشی کسانیکه در زیر بار فشار این طبقه کثیف خم شده
بیزارت است و آن را سونه تاویل خود نبدانند.

مگر نه همین مجلس شورایی است که در آن عده ای بنام
نماینده ملت ایران نشسته و با مقدرات ما بازی میکنند و اکثر آنها
را ملت نمایندند خود نبدانند!

مگر نه اینست که اکثر آن عده دارای پرونده های دزدی و
رشوه خورای و دارای سوابق سوء وطن فروش و نوگری اجنبی
هستند!

مگر جریان بر سر کار آئین دولت ما نه اینست که باید به
این عناصر مزدور باجود نتابد کند چند نفری چند روزی بر مرکب
وزارت سوار باشند!

مگر جریان بقیته اول آقای حکیمی خود روشترین سونه
از طرز عمل این باجگیرخانه نبود که اسلام و ملوات آوردند و
چون زیر بار نرفت با آن وضع فراموش نشدنی بگوشه عزت
و اهانتش گرداند!

با این مقدمه مقصد سر چشمه فسادکلامی اوضاع است و تا این
روزه بد بقتی کار گرفته شد از تراشحات منسوب آن نینواند در
امان دشمنی نشیند و با هم تپائی می کنند هر چه دلفان میخواهد بنام
نمایندگان کلبه ایران تصویب بشود و هر چه را که مفید بحال ملت و
ملکت و مضر بحال غرضان با دشمنی گنند و هر چه را که بهتر منافع شخصی
آنان را تأمین کند متوجه میگردند. بنابراین ماباید با این کانون
بینه درمغنه!

این امر مسلم است هر ملتی منافع
خود را مقدم بر منافع دیگران میشمارد
جای ابراد هم نیست.

ما نباید منوع باشیم که دولتی
منافع خود را فدای منافع ما نموده و بیجای
اینکه از ما و از منلکت ما بفتح خود ستانند
و بیجای استفاده از اجزل و نادانی
ما در صدد بیاباری و هشیاری ما بوده
بدین ترتیب مشکلات آتی برای خود فراهم
ناید.

دولیکه در ایران منافع دارند
در درجه اول نظر آنها حفظ آن منافع
است و اگر روزی از طرف آن هانبا کاک
هائی بشود آنها هم برای تأمین همان منافع
است و نباید تصور کرد که واقعا از راه
نوع پروری و انسان دوستی بوده است.
اگر سر این دول برای حفظ منافع
خود خرچها میکنند، تیلیسانت مینمایند
مزدورانی دارند که بنام افراد ایرانی
مامور انجام نفعهای هستند نباید از آن
ها توقع بیجا داشت که از نفع و سیاست
خود دست بردارند بلکه ما خود نباید
بفکر خود باشیم، ما خود باید این دست
های شکیب را که بیک آن ها وسائل
بدبختی ما فراهم میشود قطع فائهم
اگر در مقابل تمام این گرفتاریها و دشکات
نقط صرف بیزم با فقط بویسیم قطعا
بجائی نخواهیم رسید. باید وارد عمل
بشویم، باید گرد هم آئیم و با ایشان دادن
گدشت و قداکاری میبماند متحد شویم
و کار کنیم.

اگر احوال دولتها و اعمال آن هارا
دو درستان ما به خاطر بیابوریم این سختی
تلخ بهتر آشکار میگردد که حد اکثر گوش
و جدیت در خرابکاری شده تا مقصود پروری
مردم را نگران، فاسد و نلوازشی نمودند
هر صامورد دزدیکه بیشتر متفرد و موجب
کثایت بوده بکارهای حساس تر گمارده
مستند. هر وقت کسانهایی میرسد بیجای
ترتیب ندادن بر تقویت دادن ظلم و افرو
علائقان دولت میند که زمامداران قصد
تخریب دارند نه ترمیم. و بدین ترتیب
کار میبکنند و زبورو زبورو ازین ناراضیهای
عمومی بیشتر و دشکات افزونتر گردید.

عدهای مستعدند که این خرابیها از
منابع خارجی سرچشمه گرفته و بر طبق
نقشه خارجیا است که حفظ منافع خود
را در این میدانند که ایرانی همیشه در
گرفتاری بوده با همیشه سرگرم تند و
شگردهای و قشایند و فرمشی نباید که
روزی به حال خود اندیشه ای بنیاید!

مهمترین وقایع هفته گذشته

وقایع آذربایجان مهمترین وقایع هفته گذشته بود. انعکاس این وقایع متناهی بر داخله کشور موجب نگرانی‌ها شده و عیبیان حالی تولید کرده بود. دامنه آن هم بسیار گسترده‌تر از آنجا که در آنجا تصوراً چنانچه می‌پندارند بود. در نزدیکی های نژوبن موجب شد که علاوه بر یادداشتی که وزارت امور خارجه ایران بشوروی تسلیم کرده بود یادداشت هائی هم از طرف دولت امریکا و دولت انگلیس بقبامت شوروی ارسال گردد.

۱- یادداشت دولت ایران

روز ۲۶ آبان ماه یادداشتی از طرف وزارت خارجه ایران بساترت برای اتحاد جماهیر شوروی فرستاده شد که در آن ز روی اطلاعات واسله وزارت کشور و وزارت جنگ و وزارت دادگستری مطالبی یادآوری شده راجع باوضاع کردستان می‌نویسد:

۱- عده ای از روسای کرد متنبین در استان و همایاد بشهریک دستجات محسودی که مقاصد اهداف ثابت‌خاک ایران در سر دارند بنمایت ما علی سونمو پوسایل مختلف تهیه اسلحه و میمات می‌نمایند که خود را برای انجام منظور آماده سازند.

۲- روسایا کرد را بدین برورایی بیشترت مناصب خود و ایجاد بی نظمی و فتنه انگیزی در صدد برآمده اند از راه معطوخت انکار کرد هائی مصلح جو را مشوب نموده و دامنه انفتاش را در کردستان ایران توسعه دهنده و برای این منظور بکند استکام مشین جنگی و منادیر زیادی کاشف و رومانه از خاک شوروی بدست آورده اند.

۳- چند نفر از روسای کرد هائی

مهایاد و ساکنین کسبت های باشتی آذربایجان بکین روز مایات مفرقات کدر- نام و روایده برای پیشرفت حلیات خود یاد کرده رفتن و مراجمت نموده اند.

۴- ملا معصانی بباران که از خاک عراق با کسان خود فرار اختیار و بایران آمده است در نقاط کردتین ایران سکنی نموده و چون مصلح هستنه ظالی می‌رود دامنه بی نظمی را توسعه داده و یا عناصر مدسیدمو امنیت و انتظامات قسمت باشتی استان و حدود مهایاد را مثلث سازند

در قسمتهای دیگر یاد داشت اشاره بواضع همی می‌شال شده و اشکالاتی که در آن لوامی فراهم گردیده خاطر نشان شده است و پس از ذکر چنه مورد که دخلت‌های جزیه مموکرات نامی‌های بوجود آورده و مامورین شوروی از بر فراری امنیت بوسیله مامورین دولتی ساخت نموده اند اعزام قوای دولتی را شوروی دانسته و سریحا تذکره کرده شده هر گاه دولت شاهنشاهی توانه به جلوگیری از پیش آمدنهای نامطلوب بپردازد بوضع نااهن آزاره عمل ارش و قوای نامتینیه ایران موفق گردد بدیهمی است آزار ناشی از آزارها حد می‌تواند منوجه مامورین نظامی شوروی بداند.

یاد داشت سفارت شوروی

روز پنجم آذر سفارت شوروی جواب یاد داشت ایران را تسلیم و در موضوع مساعدت با کرد چنن می‌نویسد.

در موضوع مساعدت مقامات شوروی بگردنه نسبت بنمایت های سیاسی کرد ها دو آن لوامی بکلی بی اساس است و معصوما مقامات شوروی بیچگونه رابطه با فعالیت روسایا کرد های متنبین استان

۱ مهایاد نه‌استند و نیز در امر عبور ملا معصانی باران از خاک عراق بایران که دویدادداشت وزارت امور خارجه بان - اخواه شده بیچگونه مخالفتی نموده اند و راجع بسایر مطالب که یادداشت وزارت امور خارجه بوسیله مستقر قرار داده شده را تکلیب نموده درجه جاسم معصانه مامورین شوروی را اعلام داشته است و نوه ای از باصاعت های دولت شوروی تبویله ۲ هزار تن کسبت در مانده ۱۹۴۴ مایان برقرار دادن یک هواپیما بسرای کریم آذالی بیات استان از آذربایجان با ذکر کرده در آخر راجع بصلت مخالفت از حسرت قوای دولتی ایران اینطور می‌نویسد:

با در نظر گرفتن این که از هر گونه حوادث نامطلوب برای دولت ایران و همچنین برای دولت شوروی باید اجتراز کرد این موضوع با بود و تیروری نظامی تازه ایران باستان های شمالی ایران بستگی دارد دولت شوروی دایستونق انجام این امر اصلاح بنیاده ایرانی وادارم که در نواسی مزبور میباشند وارد شود آن گاه اینستل با ممت افشاختن و غریزیه در استان های شمالی ایران خواهد گردید و باین مناسبت دولت شوروی به ما کابری خواهد بود که بشنوق حفاظت نظامی و امنیتی است برای ایدین شوروی تیروری تکبیلی خود را بایران وارد نماید و چون دولت شوروی بود و تیروری تکبیلی خود بایران مایل نیست باین اعلاض ورود تیروری تکبیلی ایران را باستان های شمالی در اینستونق صلاح بنیاده.

۳- یادداشت دولت امریکا

دولت امریکا یادداشتی بانامد جماهیر شوروی تسلیم نمود و در آن چنن می‌نویسد

بفستی بخاطر آزاردهی که در اول ماه دسامبر ۱۹۴۳ مارشال استانین تسلیم و درجده چیل و بریزینت و ووژنات اعلامیه ای بدرتهران امضاء نموده و در آن اظهار داشتند که دولتیهای آن ها با دولت ایران در تامل استقلال و کاسبیت و تمامیت ارضی ایران اتقان نظر دارند.

این دولت کلاما اطمینان دارد که دولتهای شوروی و بریتانیای کبیر با این دولت کشورهای متحده امریکا شوروی علاقه دانه که با کمال دقت طبق موازین مندرجه در این اعلامیه رفتار نمایند.

بنیاده دولت امریکا انجام این قول و تمهد مستلزم ایست که دولت ایران توانه برای حفظ اقتدار خود و برای استتار امنیت داخلی با کمال آزادی بدون مداخله مقامات نظامی یا کوردی پیشه در مصلحه

وقایع آزارات

۳۴

وضع و لغزش زن و بیچه ها که در زیر گلوله های توپ و بسب این طرف و آن طرف می‌دیدند لهیای پولادین مردان را برت می‌آورد و با آتش می‌سکرتند که باعث شوقند خون خاش و بیجه هایان بدست دشمن افتند . استمدعی استعلاض و پاکشتنن را بدست سردان شغود می نمودند .

خط محاصره بنهوی تک شده بود که دشمن از طرف مر می‌نواست آتش خود را در یک نقطه ترکر دمخ این دیگر شیه میدان کرپلا شده بود باین تفاوت که مهاجبین غرب بسازن و بیجه کاری نمداشتند اما حمله کنندگان نظامیان ترک حکم زنان کرد را دم بازبرده بیجه را با سرباز ازشکم بیرون آورده برتاب می‌سکرتند

هکر حمال دیوانه نام برآمد زاده بروسکی و ژلهای دیگر که به دست ترکها افتاده بودند بهین سرنوشت گرفتار شده بودند . مسوی تر آنرا از روسای آدمی پیر و بسیار بود قدرت حرکت هم نداشت پس از شکست ارتیش بوحث خودش را با آزارات و مسایده بود این شخص با اهل محلی بروسکی که اوهم از یکبکمه و پست سال بیشتر سن داشت و هلیک نام حسنی که بواسطه عمل جراحی کدو سرش هده بود و مرض وی می‌هوش افتاده بود و همه دیگر از افراد هویطیل که در گرفته کرد ماهه هده دشمن افتاده بودند در حین گرفتاری بیگنر ناتوانان هده آزارهای برهنگی نیزه های نظامیان ترک واتم شهیدود

حیال هلیکون جوان و سالی بود در نتیجه وفاداری بشهر خود پایک دختر کوچکش نود شوهر مسانه و دختر دیگرش که سواران لرزه‌نا به خود برده بودند و از دست سواران فرار کرده خود را به پدر و مادر رسانیده بود در چهار نفر باهم هدف نیزه های نظامیان ترک شده روحشان در حین پرواز باسان پکدیگر را تنها نگذاشته از هم جدا نشده و وفاداری اصصی اخوانه‌گی کرد را بر سرش مایشان فراد انداخته بودند حتی می‌ساز سقوط آزارات ۲۷ نفر از زن و بیجه هایا اسبه حاجی بروی حیدری و برادر هاشم که از جنگ جوان بر جسته آزارات بودند در نزدیک سرخه ایران در منطقه سرکالی بدست نظامیان ترک افتاده کلیه این ۲۷ نفر یکبکمه هم تیر باران شده بودند و نشان منی در آنجا مسانه بود . اسبه حاجی بسرو که برادرش سونی بود خود در آخرین جنگهای آزارات اذمت داده بود با در برادر دیگرش استکان هیدانه رفتی به ننگه امبرده رسیده نشی های زن و بیجه های تکبلی را در خون غلطیده بد.

اینجا آخرین قربانیان بوده که خانواده حاجی بروداره آزارهای ملت خود داده بود و اینکه این انتقار لوی خود اسبه و برادرش اسلان نگمداشته شده بود زیرا آن‌ها هم چندی پس از این واقعه در جنگی بشهدای آزادی پیوستند .

اندیشه های ناموس پرستی و فریبت بروری آزاراتهای باستانه با میهور نمود که درتسیم اولیه خود تشبیه نظر نموده زن و بیجه های خود را از دست دشمن رهائی بخشند . مته ای مصلطن اولیل حاجی حیدری و گنوری و جمستی بنوامی دشمن که از استقامت پاکشدن و اخوریت بالا آمده بودند نموده آنها را عقب رانده باینتر برودن این حمله محرض

-۱۰-

قصر شیرین

-۳-

کرمناش متروک

نامه وارده

آقای مدیر محترم نامه گرامی کوهستان

در مرداد ماه سال جاری اداره کار گزینش وزارت دارایی بنام ارتباط با اهالی محل ۱۱ و اینکه اگلیابگنجان محل دیگری منتقل نسانند متروک از کوهستان شیرین کارهای هزاره را میباشند تشریح دادند و نتانستم ارتباط با اهالی بر فرض صحت و در حالیکه قویا مورد تکذیب میباشد طبق کدام آیین نامه کارمندو مامور دولت محسوب میشود

بهر تقدیر چهار ماه میگذرد و با اینکه هنوز کسی بشکل قبلی بنده فرستاده نشده و جدا فلواتانفال و انتصاب صورت گرفته بنده در حال لانگلیفی و تراخه خدمت در تهران برسمیرد و هر وقت برای تعیین تکلیف مراجعه با خوشروئی منمولی آقایان متعهدیان امرود اداره کار گزینش دارایی معاضد و نتیجه نی بینم اطمانان داشته باشد بعد از سه صد تنگی بنده با حقوق اداری میگذرد و زیاده بر این انتظارا قابل تحمل ندانسته و قادر نیستم ملرژ و فنانرور وزارتخانه با کارمنه ۲۵ ساله می اندازه موجب نامف و نسی دارم از وضعیت و کیفیت چنین کارمنی پشتیبانی فرمایند کارمنه متضرر خدمت عیاده افره یور کوهستان - در این واقع کارمنه گرامی کارمنان از هر جهت مشکل و سخت است شایسته نیست بیجهت کارمنه را از کار بر کنار نسانند لدا انتظار دارم کار گزینش وزارت دارایی سبت به تضاضی آفای کاربرود توجه خاصی میولوداوت

بواسطه یک رشته کم ارتفاع موسوم به کوه سفید (آن داغ) جدا میشود ، حوضه آبی نقتی منبر بودور ۱۷۰ کیلومتری کرمناش واقع شده مابین بنفاد و قصر شیرین یک سرایشی ۴۰۰ متر ی وجود دارد و اگر غت یا جاهای استخراج شود محصول آنهار راه خلیج فارس بفراخ حمل گردد

چاسرخ که در رسوبات مارن دار واقع شده حوضه آبی نقتی آن مختلف است. حوضه شمالی برض ۵۰۰ متر دره ای که آهنگران حوضه های دیگر آن در دامنه سفید کوه لیر رسوبات برض ۲۵ کیلومتر است و در این حوالی بلغان مارن که دارای نفت است نقتی جاری گرفته و از راست چپ کشیده شده در پای کوه بر لیران در مجاورت کوه آهنگران سنگهای آهک نوسلی نیک وجود دارد که قطعا متعلق به سن تین میباشد

این کوه از سنگ گچو بهین مناسب تبدیله کوه موسوم شده است تمام این تشکلات جبال حوضه نقتی حاری از فیصل و بهیقه در کرمناش متعلق بهین سن تین میباشد

منابع نفت واقع بین سفید کوه و بر لیران بدو حوضه تقسیم میشود. حوضه جنوبی در مجاورت سفید کوه حوضه شمالی در مجاورت کوه بر لیران

از حوضه های نقتی مذکور در حوضه در حوضه شهرستان قصر شیرین از طرف غرب کت در ایران و انگلیس فقط باستخراج قسمتی از چاه های نطق شاه (۲) که در ۷۲ کیلومتری این شهرستان واقع است مجادرت شده و نفت خام این چاهل بین از صنعتنر تصفیه یوسیکه با کوه چهار آبیشی که بهطول ۲۵ کیلومتر کشیده شده است پالانگاه کرمناش که در ۵۰ کیلومتری کرمناش در کنار رود قرموس (سیاه آب) است فرستاده میشود و در این پالانگاه که دارای سانشانهای متعددی است مواد خام نقتی بنظو نترین منمولی تبدیلو مواد تصفیه هده پس از تا مین مصرف حوضه های غرب ه نطق دیگری فرستاده می شود

۴۲۳ این محل سابقا نطقها و با نطق کنکوش نام داشته و در مجاورت سرخه ایران عمران است و بوجوب بخش نامه شماره ۲۲۶۶ خرداد ماه ۱۳۱۳ مرحوم داوود روبر این دارائی نطق شاه نامیده شده است

قصر شیرین که در کنار خرابهای ندیس قصر معروف شیرین بنا گردیده و رودخانه حلوان با شیب بسیار تند از آن میگذرد مرکز یکی از شهرهای مهم سرحدی غربی ایران است. رود حلوان که از کوههای زاگرس سرچشمه میگیرد پس از مشرب نودهن چلگه قصر شیرین و سر بل وارد دیاله میشود. (زاگرس کوه است یونسایی و به کوههای اصلی غربی ایران مانند الاده- باول - کوه برد - کوه هون - کوه کله که - سکوه بز - چال کهر - کوه سنبله - و شاه کوه اطالان می شود)

قصر شیرین که از نواحی مهم خوردان (۱) قدیم ایران است از لحاظ اهمیتش در حال حاضر از طرف هیئت وزیران بوجوب تعویب نامزد میل شهرستان مبدل گردیده است.

۱- بخش قصر شیرین از شهرستان شاه آباد میزا و تبدیل به شهرستان گردد.

۲- مرکز فعلی از کوازی بومار متدل و محضان بولسی به ضمیمه آن گردد و یکی از بخش های قصر شیرین آن تشکیل دهد.

۳- سر بل زهاب یکی از بخش های شهرستان جدید اتانسیس قصر شیرین شود بنا بر این قصر شیرین شهرستان است که دارای ۲ بخش سومار و بر لیران میباشد پنج بلوک قصر شیرین عبارتند از:

- ۱- قصر آباد - بنهوس - قلم شاهین
- ۲- نهاب و جگر کوه ۱۷۰ قره تشکیلی شده است و ما از لحاظ اختصار ۳۹۶ تا از آنرا که بقصر شیرین نزدیکتر هستند در اینجاباد کرمناشیم
- ۱- بابا هسانی ۲- برار عزیز
- ۳- برج اسمعی ۱- تلک آبا حوضه
- ۵- تلک آبا سفلی ۱۷۰ تلک آب کهنه
- ۶- جگر کوه بانر ۱- جگر کوه احد ۹-
- ۷- جگر کوه سیاه ۱۰- جگر کوه جندو
- ۱۱- جگر کوه کلانتر ۱۱- جگر کوه
- ۱۳- سن قور تود ۱۴- خسروی
- ۱۵- خراط شاه ۱۶- خیل ناصر خان
- ۱۷- دارو نوز ۱۸- در بندهن ۱۹-
- سید اطف الله ۲۰- شامسوار ۲۱- قلعه
- ۲۲- قلعه نرس ۲۳- قلعه شایلوک
- ۲۴- کرمصف وسطی ۲۵- کرمصف علیا

۱- انوشیروان عادل ایران را بجهار قسمت کرد در هر یک را یادگی کت و بنام یکی از جهات ارضه نامیده شمالی (اواخر) جنوبی (تبروز) شرقی (خوردان) و غربی (خوردان یا غربیان)

طبقه-حاکمه و اوضاع فعلی کشور

چنگ جهانی که مدت وسایل با شدت هرچه تمامتر دریا و دریاخه و خون کشید برای آزادی و مقاومت آزادی در مقابل زور و بیادگری بود و بهین سبب قوه مقاومتی بوسیله ورود کشور های سینه آزادی در جنگ مرتبا تقویت شد تا آنجا که قوه مهاجم در هم شکست و دول آزاد بخواه که ایران نیز جزو آنها بود ناختم آمدند دولت ایران در زمان جنگ از نظر موقبت جغرافیایی و گسکی که از راههای ارتباطی و مودیتوانست بدول دوست و همجواریتی انحصار جابهی شوری و روسیه انگلستان بناید با آنها فرود آید بست تشون متفقین را بفلک خود راه داد تا در حصول نتیجه تسریع خود آنها نیز بوجوب اعلامیه مشرقی حق حاکمیت ایران را معترض شدند و مفرق کرده پنج ماه بی از خانه خود ایران را تخلیه کنند و سال که جنگ پایان یافته میبینیم با اینکه هنوز بیسوت مقرر رسید، بعضی از اعضاء عالی خود را تخلیه کرده اند و تخلیه نامه ایران تا شش ماه پس از جنگ مقرر در مکرر تمدین و تأیید شده با این وصف کوچکترین خیال نیست بنوازد بفلک ایران از طرف دول نابیده آنهم بدست آزادی باجانبها و کردها که با کترین نژاد و رشید ترین فرزندان این آب و خاک که همواره در سختترین مواقع امتناع وطن پرستی خود را داده انقبالی قبول نیست.

دول بزرگی که در بهرانی ترین روزگار دنیا مثل دار آزادی بوده و برای او صفات درون و خسارات بیسار داده اند تا موفق بشکنداری آزادی در دنیا بشهدت هرگز راضی نخوانده شد این موقبت جنگی را باطنی خود ملی ضایع و بیادبوسینه سبب اجباری خود را اصلاح و دامن خود را که دار و خلاف آنچه در دنیا اعلام داده اند رفتار نمایند بفرش محال که یکی از این دول چنین قسمتی داشته باشد آیا خود را مقابل دول بزرگی که فی الواقع برای نگهداری آزادی نهم در جنگ آزاده اند تسلیم و مقاومت کرده باین مقدمه متوجع آزادی باجبان را با پستی غیور آنچه بدستی هاست بدول همجواری نتیجه تحریکات آنها نجهان دست بلکه این موضوع مطول علت داخلی یعنی عدم تطبیق روش حکومت ایران با دنیای بی آن جنگ است ایران با اینکه از قید حکومت رضاشاه نجات یافت ولی طبقه حاکمه امروز او همان عمل و رضا شاه میباشند که در ایام آنکه در تمامه و کنگان بر خود را بدست ستندیده حکومت میکنند و با اینکه ایرانیان در راه نجات آزادی دنیا منتهای همت و مفتت جنگ را تحمل نمودند تا بتوانند از شره ان بهره مندی شوند مبداء توانستند همت ما به خود را تیریزند و باروش دموکراسی موروثی خود و بواسطه وجود این طبقه ضد دفل حق سیاست را در وسیله نجات بر آورده و برای استفاده و فریاد شجاعت جنایت و دزدی و ارتشاره و روح داده و برای ملت بزرگیاری گرسنگی فی واقع و بجا بی نگذاره چنان احساسات را در خود مدفون نموده اند که نااهل ملت در قلب ستون آنها بی اثر و با کمال رفاقت و ترس از مجازات چنان بکاز خود متوجه اند که اقدامات همجنس اخلاص وطن پرست چون آقای دکن دستور ملی منتی ملی را نیز بلا اثر و منتی نموده اند و اعتراضات بکثرتی ایشان کوچکترین تغییری در روش نایبانه آنها ندرده و این خط منی باعث فاسد طبعی است بدی شده که امروز جز هده مدفوعی انگشت شازرک در وسایع اعمال خیانتکارانه و در توت همی و راجع کرده اند بقیه بدستش وضع میکنه با محنت و سنگدستی زنی کرده تا جاییکه قدرت ادامه حیات او آنها سلب شده و وضع مبدت عمومی سر بلخ بی سنی رسیده و چون از طرف عادی راجع میسین بمشور بود تا مدت مسوده هده اجبارا برای از بین بردن این دست که مانند زنجیری خود را بیکدیگر چسبانده و هم نگهداری میکنند با از جان گفتگی برای پاره کردن این زنجیر میماند و این اقدام را بکنه از اصلاح و نایبانه تا کمر از این طریق حکومت ملی برقرار و دوسایه این حکومت زنده گی میسر شود اما عناصر پست و خلیق برای اقدام اصلاح طلبانه با تبلیغات مسوم خود میخوانند و تبلیغ را بر خلاف آنچه هست جلوه دهند تا آنجا که عناصر اصلاح طلب و باغی و متمارض تلذذ کرده اکثر عامه را بر علیه آنها

وظیفه ما

وظیفه را اول باید در خانه آموخت ماسوا ملق اسمایان
 وظیفه واژه ایست که مدار و محور تمام فضایل بشمار میآید، ایجاد کلمات و خلقت معلولات نیز بنظور انجا وظایف خاصه بدل آمده، زندگی با تمام مظاهر مختلف خود غیر از ایفای بکفره وظایف چیز دیگری نیست؛
 یکی از بزرگترین مفریایه: در هر کس در زندگی خود بنیایه فراوانی است در صورت خود؛
 کسیکه توانست وظیفه خود را در زندگی بطرز احسنی بجای بیاورد ممکن نیست روحیات خود بیکسختی طاعت فرسا دچار شود و در جاده منولیت بیراهه داخل گردد.
 وظیفه جراح درفشانیت که ما را از بیخ و شهای دوران حیات دستگیری میدهد،
 وظیفه بنگر ددر کار زندگی است

شورایا نهم بنان برغر خود سورا باشد مجلسی که تاکنون از قدرستی برخورداره و بمصالح ملکنتی بی انتها بود این روزها ببعالبت اقتضایه و مرفی تشکیل جلسه میدهد و میخواهد وسیله کشت و کشتار و کتب مردمی که بدست خود بدینجا کشاید مرفاه سازدو با رجوع اینکه شهادت این اقلام معزز است میخوانند آنها را طور دیگر جلوه داده دست در تینت انگلیس و امریکا را در موضوع داخل کشور رو خاتم اوضاع بفریانه آقای سکیم الملک هم کار امروز در این ملک توجه آزادی خواهی و وطن پرستی داریم در این موقع که میبایس مزبور از روی اضطراب و ناچاری شاد را برخلاف مصالح شخصی خود در آرزوی با یه بداند کسی این ملت ستندیده بیه هم چیز را برای اصلاح وضع خود به تن ماییده و آتش دولتی ملت افروخته نموده ستند هده: هر رابطه آزادی خواهی نایب دست بکار اصلاح شود پس اگر فکسر اصلاح داریه باید عاجل دزدان و خائنین و مفسده چویان را که از این معاد دور و ملکنتی را در دست داره از ازار بر کنار و محاکمه و هده بدی مطولت کنیو جریان سیاسی و اقتصادی ملک ترا با دست اخلاص صالح بر میسر و وطن پرستی بگوش آزادی مترن و را امیدوار و از آبیام آرزو گیری کنی و الا منولشدن بفره خود جز برادر کنی بنفع همان عده ما رجوع فایده نداشته و اوضاع رو در رو خوشتر شده و این آتش که تازه افروخته شده آتش زبانه خواهد کشید تا آنجا که تمام ملک را فرا گیرد.

ناتوانه بوسیله آن امر از مبدت خود عائله اش را تینان نایب فرزندش را به بنور علم و معرفت آشنا سازد، دوروز دیک خود را دستگیری و کیک کند، برای تاملی ترمی مولد و مینش بکوشد.

اینها وظایف هر شخص و در امر انحصار میباشد حالا تصور فرمایید که از این وظایف سر بیسی کرد و خلاف این دستورات را در پیش گرفت چه خواهد شد؟ نتیجه معلوم است و محتاج بتذکر نیست، که چنین کسی نه داری سر و سامان بوده و نه اولادش کامیاب و غیر خود راور میخواند مینش روی و ناغیب و هم بر و آبدای خواهد دید.

همچنانکه وظیفه آدمی در پیشگاه خدای متعال واضح و مبرهن بوده و عیارت از عبادت و اطاعت میباشد هر فرد نیز در قبال نفع حسابه همزبان و بالاخره فرزند و والدین و جامعه وظیفه داره و سه ناچار از ایفای آن خواهد بود حالا اگر بجای انجام وظیفه خود ناهنجار و سبب کنی و طغیان و وزد بدیستی است شران و زبان این مکنس اهل باقی نتیجه دستگیر اوده و متوجرا شرمهای شرمی این سری بیچورا خواهد دید.

وظیفه آدمی یکی کربن است و هر شخص موظف است تاینونه آن خوب وقتی اخلاص نیت و تکومش از تینت با نندت جمله جامعه دور اصلاح ترمی میروند و ای برجهای آن که افروزی بیروی نفس امیاده و حیوانات حیوانی را بر طرف وظایف مسوده گذاشته و برای ارتقاء و نیل با مال و جاه وظیفه منوی و انسانیت را منسل و با میمال سازد.

برای انجام وظیفه چندینه نایب داشت چون مطوق برای ایفای وظیفه نایب در بر آوردن وظیفه فشارت و بسکده و جدان بر وسیله وظیفه شخصی و ادرا طرفت و جوابان این خدشات هده و تر آریا بیاوس عقل و ادراک بسیارید.

اطینان بفرمایید باین ترمین وظیفه شازادگان و اشرافیه منوط و مرسوم خواهد ماند و راه حق و حقیقت را پیش میگیره هر سوز حریج وظایف مرسوم خواهد رایه خاطر آورید و بطور موعظه آنها را در دفتره خاطرات یادداشت کنید که تمام گاهان باجه اخلاص تاس خواهد داشت وظیفه شما دور آریا این چیست؟
 چون به سر آید و شما وظیفه خود بدین نوع و بزرگوارانه بجا آورده باشید آن شب را در بیسکده خدا و خلق بی دفعه آورده و فارغ الیال بسر میبرید قلم و بود جان را مت دور آرایش خود بیخود در فریم اینصورت نیز نتیجه و اخلاصت که باجه تفکرات و آلام و اسامی دست بگریبان خواهد شد.

پس انجام وظیفه بیکسی کن که راحت و سعادت دو جهان در آنت.

بنام آتای محمد مردوخ (آیت الله کردستانی)

گردوگردستان

-۳۶-

سنة اردلان

حکومت مصطفی خان اردلان

پس از مرگ سبغانوردیخان مصطفی خان برادرش پسر سیاهلی خان در سنه - ۱۱۴۸ بجنگوت کردستان مامور و نظر علی بیگ بوکالت اومین گردیده است و ودر بین تاریخ مجدد سارالی دوزخ است باسمه سه سوار بکردستان تاشته غارت زبادی برده است.

پس بحکومت ورود نودیس از سه چهار ماه حکمرانی بواسطه بی وفای و بیحرکتی اهل مکه بر او شوریده او بیرون کرده اند وهر استهان بیار شده از دنیا درمی گذرد دوباره سبغان وردی خان دزهان سال حسب امان داد شاه باسر حکومت برقرار و روانه کردستان گردیده است.

حکومت سبغانوردیخان اردلان

نوبت دوم

پس از رفتن و مردن مصطفی خان در استهان دوباره سبغانوردیخان در سنه ۱۱۴۹ مامور کردستان شده بر سنه - بحکومت جلوس شده مدت چهار سال و هفت ماه باسر حکومت اشتغال یافته در سنه ۱۱۵۳ دادرشاه بی از مراجعت از سفر هندوستان و رفتن ابرای کشمر - تاوروم و تادیب دایلیا پسر و والی آن مملکت سیاحو پری خان را با بیحرکتی و طبعه احمد سلطان پسر سبغانوردیخان آن همه جا در رهکب نادری رشادت ها و جان نثاری های قابل تقدیر نموده است بحکومت کردستان و لقب دغانی بمنقبت سرفراز میدارد.

حکومت احمد خان اردلان

پس از احضار سبغانوردیخان احمدخان پسرش در جمادی الاول ۱۱۵۳ بر سنه بحکمرانی نشسته و از ابتدای عیاش مرمور لرو تا انتهای خاک عیاش انداز خود در آورد و باقر کتوهفتم در سنه شامش مشغول حکمرانی شده است در سنه ۱۱۵۴ هجری کف نادر شده متوجه داغستان میشود چون دو سفر هندوستان رشادت های مسیر القبول از احمد خان مشاهده نموده بود . این مسافرت هم سر ووه احمد خان را لازم میبماند . احمد خان از اضاغر و سبجانو دزخان پندوش راجایی او (نوبت سوم)

از مجله گلویز

یک غزل از ناری

ندیدم تیکه من گرفتار تبه دم سه ودانه
بوم به داری زلف و پرده می نانا تاه

گردد بر سر حالی به و راهی دلم دوم بوی لروت
واله سوسوده اله سایه های هجر جرای گوناوه

میخی غالت ناری بس باره هفتیکه به ناز
چونکه بابه نه به همدی روعه تی زبای تاه

منی قولایی موزمی تا کم لرا کیشانی دل
بواسری زلفی غازی شو به غوغایه

چاری شو نزاری به شویم تیرموک لیوی به می
لی که رین ایوموخ تاه وسته مابینی شو تاه

واسرود پادنا به روسی به رده بازی رنگه کت
مهره می مددی سوری من و ا به گردی زبای تاه

شاهی چاروت ملکی سیر تان تاه تی بر دم باور
مصعنی روتی توبه گر کز باهی که گردی تاه

له شب که رفاه و روعه بولفت باره هفتیکه
میشر و دم کت بیشتی تو به نئی چاه و

عظنی دهر سن عینی ناری وک توم کت خاک
وابه لوعه ای که ردنی ای گردی وک مینا تاه

آجا می شود

از اینطرف هم که خبر فراد احمد خان بر سر نادره شاه رسد سبغانوردیخان پدر احمد خان و بگلریگی طهران نودم دوسه (۱۱۵۶) مامور شد تا قاجار قزوقی را بحکومت کردستان اعزام میدارد . حاج مولای ورفی خان که بکردستان وارد میشود . بواسطه تیانی مشرب و اختلاف منصب نقدان قفل و معدک . حکومت او بکسال طول نکشیدم مرمول . وسبغانوردیخان نوبت چهارم بحکومت کردستان ایستاد میشود و قریب هزار سوار اقامت و فراسانی هم بر سر داری محمد در سایه کربگی (سربایا کربینام) برای ساعده کردستان بپوان (تیابت) در میت سبغانوردیخان حرکت میکند و حسب الامر نادری ازبایات آبارهای دولتی مبلغ ههزار تومان بشنوان جرم از ابراهیم بیگ که در آن زمان و کبیل بالاستقلال احمد خان بوده در نبات میدارد و رضا بیگ سردار سواره افسانه شخصی هرگز و دشمنی بوده است . اهالی از آتش زبای او بستوه آمده خیال شورش داشته اند که در آن وقت گشته از رضا در ۲۶ جمادی الاخری (۱۱۶۰) هجری خبر نقل ادر شاه بکردستان

میگردد . سبغانوردیخان فراد احمد رضا بیگ را با چند نفر از روسای اقلان و خراسان بطول خواند . قضیه قتل ناصر شاه را با آنها می گوید و هنوز که ایستاد منقشر نشده اند یکپار تو مان پول و ده خلت با میده موهه را بقیه روانه مینماید . فردا که اهالی خبر از قتل نافذ و فرار محمد و رضا بیگ آهک میشوند در بزم انتقام زشتگوئیهای متبادر ایام رسد تلقاب بر میآیند . سبغانوردیخان ایستاد میشود . مدت هفت ماهه از اینفدمه میگذرد از جانب ابراهیم خان برادر زاده دادرشاه که بدایه سلطنت تمام نودم خود را (ماد خان) خوانده حکومت کردستان بستملی خان اردلان واگذار میشود سبغانوردیخان هم در سنه (۱۱۶۱) در همدان داهی حق را لیک کتت سیرای جاودانی مینماید و نوش را برگو شیدای کردستان در کتت فیدا کر بالی گوید بلندی واقع است دفع میکند . در سنه حکومت سبغانوردیخان در کردستان هجده سال بوده است و در این مدت هشت مرتبه مرمول شده و بیاز منسوب کشته است .

حکومت حسنی خان اردلان

در تاریخ (۱۱۶۱) هجری حسنی خان اردلان برادر زاده سبغانوردیخان حسن الاام (مادر شاه) بحکومت کردستان منتظر کتت . فرغ با پادای ولایت و خلط خود رسد تنور مینماید . در ۱۲ ذیحجه (۱۱۶۲) که اسام خان شیانی و ملوک الطوائف جمعی از طرایف کلهر و گوران و زلنگو سایر مشایر و ایلات گردنانشه جمع آوری نموده و بنای تاش و ناز باطرات و خاک کردستان میگذارد . حسنی خان هم تاش تحمل تیار ووه .

بحکومت کردستان روانه مینماید . یک سال و سه ماه سبغانوردیخان باسر حکومت بر داشته میدارد در ربیع الاول (۱۱۵۵) باسر دادرشاه مرمول و احمد خان پسرش به حکومت منصوب میشود . و ابراهیم بیگ بوکالت او امین میگردد و در ربیع الثانی ههات سال احمد خان بیسر حکومت وارد میشود . از نفا و در این سال قطع و علاه عطشی در کردستان شروع شده لانو جان با هم برابر میشود . احمد خان برای حفظ حیات اهالی ایواب احسان بر روی مرمول کتتو ایثار های کتتد و مرمول و بویات دولتی را که برای اردو تهیه و تامین شده بود بر قرا و مسا کتتت تقسیم مینماید . طولی نکشیدت معادف این هنگام دادرشاه باسر مضموس اعزام میدارد که ایثارهای های دولتی را برای آتونه لشکر به آذربایجان حمل نماند . مامور که وارد میشود مینماید نام ایثار های نادری خالی بکده تان کتتد برای حمل باقی نیست مامور از فرخ نقتی و ا پایره های فشب انگیز بنافر شاه عرض میدارد نادر شاه بسن خواست هریزه مهبانی و مشتمل شده فرمان اعدام احمد خان را صادر میکند دوستان احمد خان با دوهزار سوار از گان و بستگان خود بطرف خاک شانی و هسبار میگردد احمد خان بشهر زور که میرسد ظاهر بیگ ایل یکسجاف با او در افتادگی مینماید احمد خان اوراد سنگیر رسوده اعدام میسازد و در آنجا بسلیبا میمیرد .

خان نفاش حا تم با یان با تقدیر و پیشکشهای فراوان استیال آمده کرامتت و انبیا در برهان میبندد احمد خان او را بر حکومت بایان استلال داده از آنجا بپناج مومل حرکت میکند تا کم مومل از فر صافالت و استیکار آمده و ابواب خانه را بسته و تشریح بکنگ مینماید احمد خان دو مضمون خود خوردی لأم مومل را سحرخوا کسرا ما بحکم تقدیر دستگیر و دیار خدمش و هسبار میسازد . و معده چلی نام را بحکومت مومل برقرار مینماید و از آنجا بطرف دیار بکر و سلب روانه میشود پس از یکماه و چهار روز وارد استامبول میگردد . و در روز سوم حسب الامر سلطان شانی (سلطان مرمول) جمعی از ازمرو با هاپان و اقتدیان در میتده مضمون و شیخ اسلام به استیال او مینماید و با اهراز و اخترام هرچه نامشردو منزلی که از طرف دولت برای او آمده شده بود ورود مینماید احمد خان باجمع هسبارانش مهبان سلطان بود پس از چند روز حسب الامر سلطان بحکومت ادره منتظره باسر اها نش و هسبار

یک نامه کردی
اقباس از روزنامه کردی ستر

چندی برپای بلندی آتش‌ایه ای ساخته بود که چند متری از زمین فاصله داشت و در این آتش‌ایه سه پهلای خود را بروش میداد. روپایه بود آن نزدیک آتش‌ایه همسکن داشت و هر سال موقعیکه بچه های چند قدری بزرگ شده میخواستند پرواز کردن را یاد بگیرند نزدیک آتش‌ایه رفتند چندی را صدا میزدند میگفت بچه های خود را بر می آن بیانداز چند ایند تا تکلیف نکرده بچروپایه میروید و اولی در پناه نالای و نه پناه میگردد که اگر بچه‌ها را بیاندازد لایه آنرا خراب خواهم کرد. میپارم چند از ترس جان بک یک چنگ از آتش‌ایه می نهد و روپایه آن را خورده میرفت.

بچه‌ها فوسال روپایه بدین ترتیب میپارم بخورد، بخورد، سال سوم رسیده چند از این ملل روپایه سوار تگبران بود زیرا سیدیه آقا که این ملل را داشته باشد بدون اولاد از جهان خواهد رفت و این نیز خیلی اولی را نارامت کرده بود و میخواست بچه خودی روپایه بیوه فرستالی ناسفنه بود تگبرانی و همه اش از خند گرفته بود بچو خود فکر نکرد باید آملی هر طریقه باشد به هارا از سر خود را در امان بگذارد ولی نداشتند چس باید بکنند، چیزی که بغاخرش رسید این بود از تبه ای که هر نامه کسی از آتش‌ایه اشوتواقت شده بود.

از طرف برود شایسته دریابید که باو در حل این مشکل کسی نباید بود. این تصویرا علی گرد. از آتش‌ایه پرواز نمود. از تبه‌ام گذشت و آتش‌ایه مرفراز سبز و خرمی دید که گوسفندی در آن مشغول چراست.

اندکی مکت کرد و با خود گشت این گوسفند که به نظرش در این مرفراز میپرد و از جعفری تاجبال خود را معنون داشته قطعا خواهد توانست با همان اندیشه و اقتدای او که در حفظ خود را برود و این نیز راهش است که با او فکر بچاید.

گوسفند پرید در نزدیکسی او با این آمد.

گوسفند صفه بدون مقدمه چندی را نزد خود دید بر سید ایچادر جستجوی شده هستی چند بر خسی میباید و شتم و چوری را که بر او روا داشته بیان کرد گوسفند گفت تو با این که بزرگ چرا ایفتر قسقه گفت هستی که با خود مبادانستی از اینکه آتش‌ایه در مکان مرتفعی است و روپایه بیوسیه نیتوانید آن دسترسی داشته باشد از او بیستک شمشیر و تاقهای بی منتهی و اولی اجابت میباید. نور آتش‌ایه خود باز کرد و هر وقت روپایه آمد میگفت مایوشوهی منی که هر وقت نهدی که آتش‌ایه تا راس نیکون خود نهد ساخت بگو هر چه میخوانی بکنی اگر از تسو بر سیدگی تو را راهنمایی کرده‌ام نشان مرم بالو بگو.

چند شد شو بادلی خوش با شیباه بازگشت. چند روز گذشت روپایه سهیل عادت آمد. با یک روز در پهلایه‌ها بیانداز چند امر او را بدیدرت و روپایه تبه‌ده کرد چند پند گویند را بخاطر آورد چیرا بی بصرج دادو گوشت هر چه از دست بر می‌آید گوئلی مکن.

روپایه دید تیرش بسنگ خورده چند بباد شو تیر روپه داده‌است کسی باو که دست او است من مرفس نظر میبکنم ولی توهم بگو بدام کسی بتو راهنمایی کرده‌صه گرفت مرا گوش ندهاده اینطور گشایه جواب دهی. چند گوسفند و مکاش را روپایه گفت.

روپایه فروپایان سو که چند نشان داده بود شتافت . گوسفند را دید که در مرفس را میبرد آهسته آهسته پیش رفت چون نزدیک گشت که چرا روزی مرا بریدی و چند راه‌انسانی کردی که بچه‌ها را و بر این من نیاندازد گویند انکار کردو گفت من بچند چیزی نگفتم ام روپایه امر گرفت که نگوئی. متشاجر می‌دری گرفت گویند گشت من سو که بخورد چینی راه‌انسانی نکرده ام پروپایه گشت من سو که میخورم گشت که ای گوسفند قبول کرد که روپایه سو که خورد و گشت بسیار خوب باید با طرف بود زورده سه‌مندی بروی و بشوی با این شصن چشوزاغ تبه‌توبه چند گشت ای پس از اینکه این سو که از خوردن من بچه‌ها چند را برای تو خواهم آورد.

روپایه قبول کرده سه نام بیان سو که گوسفند گفته بود پیش‌روفت و گفت دیان شصن ۰۰۰ و دینبکه غواست بیه‌عبارت سو که را ادا کند چشش به دو چشم بران سگ درشتی که دوزیر بود طرف شوایید بود انداخته دیگر جرات‌انسانی بقیه گلمات را نداشت به بر گشت و به گوسفند گفت احتیاجی سو که نیست من اطمینان دارم که توبه دیده گشتی ای. این را رگت و قبل از اینکه سگ بدیشال روان خود فرار کرد.

روپایه از این عدم موفقیت سخت اندوهناک شد و در ابا خود فکر میکرد که باید انتقامی از گوسفند بکشند و با این فکر خودی میرفت که اگر کسی بیاید او را برای کشتن گوسفند برید چند قدم گرفت بگرگی رسیده که روی زمین خوابیده بود پیش رفت و گشت و با لوق هر چیزی را بقدری بپوش و چرا و اینطور موهابت ریخته کرد گشت خداوند مرا بخت بر گشته خلق کرده هر چه بیشتر میگردم کم‌دوئی تر هستم. هیچ طعمی ای بدست نیابورم.

روپایه گشت صفه معور من برایت طعم خوبی سراغ کرده ام. گرگ بیهال اینکه روپایه مکار او را مسخره میکند گشت حال خوشی و حوصله تفریح ندارد. روپایه گشت خوشی و فریح نیکم چون حال تو را بر شخانی دیدم در عالم دوستی خواستم کنیکی سخره‌دهم حال که نبخواهی بسیار خوب من هر چه خود را پیش گرفته میروم و این را بزرگ دیگر میگویم که

بلم آغای میر محمدعلی شیری (مشیرالاعراف)

سربانگ هندی بهتان عظیم

آقای مرفس مرفس روزنامه کوهستان - هر چه دوشاره ۲۶ آن گرمی نامه معترضی از حالات آکره تده کرده‌ام ولی چون در بعضی از مراه‌بره کردیم که نسبت با این صامت بیستک انتهای اداراتی زده شده‌است که خاتینا قابل بیست و اسنان منصف را مکند و ملول میبشاید چینه انصاف دادیم بود که در مقام دفاع برآمده و بگویم سربانگ هندی بهتان عظیم زیرا این جمله مسلمات که آکره با کینه‌ها ایرانی نژاد موافق مذهب اسلام حب وطن را بنام منی در دل‌های خود جای داده‌اند و کشور باستان ایران را خانه و میمن اصلی خود میدانشند و چنانکه گفته‌اند میبکن است که سر بر روی و بگوب از خانه و میمن از دست نرود - در حفظ حدود و ثنوت وطن ندیم و مدفن آباء و اجدادی خود ثابت نگذاریم و این سنتها و عادت اسلامی در روز و در شب مفرساده‌ست چنان که با شیر اندوزن شد و با جان بدروز با ابتغال چکوه ممکن است که انتشارات بی مغز و پوچ را بدست و حق نماند و کشور کرد و چینه این اشخاص نبوری قائل به تجزیه خانه خود با خراتات دیگری خواهد بود بنابراین شایعات مذکور دروغ محض و دروغ است که انتشارات بی مغز انتشار دهند که این دوچراشاید شده و بدون تفکر و تحمل با بدت به نشر این اوجاب کرده باشند که در نظر آریاب بصیرت و اطلاع هیچ گروه قنورارشی نخواهد داشته‌بود شوهر گزینش بی اصل و اساس بود و راه کسان بیستک تاثیر نخواهد داشتند با این لعان میخوان آکره ایرانی نژاد را از نسبت مزبور منز و میری دانست - هر که فرسود که خبری از اینجن جوانان عراق رسیده است اقلا بقاعده الخیر و بخت‌الاصمن و الکذب نیتوان قطع بصمت آن حامل نبود تا نایا به پیچوز و منطقی نیتوان عمل نمود و در منتسب به بگر نبود و از محکم و محکم و نژاد و از دور و از دوری غالی بود. لذا مسلمات که خبر نامه در برابر عاری از اوجیت نخواستند آکره ایرانی از این اتمام ایمن هستند البته اولیای محترم دولت است که از خواهه امپارکانه که مفره‌ان حاجت کرد و بیان نیست جدا گلوری و قدش نماینده از آکره کرد خدمتگذار با کینه‌ها هم تنویق و نوازش خود که تا اندازه جیران اتهامات ممل آید به و خانه این قست را نیز زاید نیدانند با یاد روم مطابق الامارات و این اسامان وطن پرستانه و رضایت گریستن در اعمده و سلسله امتیاز آن اسامان وطن پرستانه و رضایت بخش میباید و فعلا در آن نسبت: بن آکره و گنورار مشی بر فراوات رما عا در مصالح آن‌ها هم که از اضمراض ممالک است خود در حفظ وطن و مصالح آن‌ها هم میرود از امید است که با مساعدت و میثرفرمانده معترم لشکر وضعت تمام صفه کردستان پیش از اینها و رضایتش کرد.

از من متون خود کرده بدست روپایه قدری جدی است گشت بسیار خوب بر رویه پنجمه است ای برابم اعتبار کرده‌ای روپایه گشت شرط اصلی این است که بیستک ایوا کشتی سهمی هم بر این من بگذاری کرگ قبول کرد.

هر دو راه افتادند روپایه در دور گوسفند او بگرگ نشان داد کرگ نشی‌ای ساف کرگندو تلی بخورداده بگرگتبه بطرف گوسفند گوسفند خنوز گوسفند نرسیده بود که تفریح درشت بجانب او بریده نه که بگرگ خواست فرار کند و را از دور طرف گرفته بر زمین زدن بیچاره گانه دست با میزد و تلاش میکرد چیزی نماند بود که خله خود شخس مواتش کرد هر که حرکت نامیده‌ام از میان بپوشی سگها بدو حسنه فرار کرد.

روپایه دور این اوضاع را مشاهده مینمود و دید کرگ موقف برافزنده خود

چاپخانه کشاورزی
تلخ ۹۷۸۷

نگراف و نامه‌های وارده

حوزه نظام وظیفه را داشته‌است اظهار
استان نودانه

تلفراف شهری

مقامات تکنیکال ژاندارمری روی نوشت
کوهستان - بنده ابراهیم خالدهیان ساکن
قلمرو دهستان اسفندآباد سندهج چهل شب
قبل هشتی بنده که - ژراس گوسته بوده
سرت شده به مملکت کربوب اول برده اند
استوار صیقلی گورهبیا رخدا بنده از قروه
دهکمان به محل ترشیه ترشیه شان پهل آورده
اند و حق بنده را پایمال نبودند استه‌های
ماچراجه دارم امر اکیده صادر نرمانده
هنگ سندهج سامویریاوردانی به ممل فرستاده
اقدام به استرداد گوسته‌هایم بنمایند محض
رضای خداترسمی بحال ده نفر هایل بنده
بفرماید.

کوهستان - این اولین بار نیست که
از این ناحیه شکایت می‌رسد.
بطوریکه اطلاع می‌دهند که تنها
و رعیت بیگانه مالک همدان نیست آسایش
و تاین ندارد بنابراین انتظار دارم اداره
کل ژاندارمری توجه مخصوص داشته
و در زمان و خصوصاً آهالی را که اهرمانی
و دزدان هستند جداقتیب نمایند.

برای استحضار اهالی محترم سقز

مشتی است آقایان مشترکین محترم نامه کوهستان برای روشن شدن
وضیعت مساجد خود و همچنین پرداخت جود اشتراک در اسرع وقت بدتر نمایندگی
واقع در سرای اتحاد مراجعه فرماید -
ناینده نامه کوهستان - کلاهی

بلی کلینیک تهران

بلی کلینیک تهران که دارای بخش‌های مختلف پزشکی است تحت نظر
آقایان دکتر عبدالعصین اولادان دکتر هوفنگ غللی و دکتر جهانگیر جانشان
اداره می‌نماید.
آدرس تهران خیابان سوم اسفند اوقات پذیرایی صبح و عصر -

مهمترین وقایع هفته گذشته

پایه از مسله ۱
شوروی، انگلستان و با امریکا تیرو های مسلح خود را بطوریکه
لازم می‌باشد در ایران بحرکت آورد.

دولت کنکورهای متحده امریکا چنین استنباط میکند که
هر یک از فرماندهان شورویکه از شرکت آزادانه نیروهای ایرانی
جای گیری نموده باشند ممکن است بدون تصویب دولت شوروی
اقدام کرده باشند.

چنانچه فرماندهان شوروی در این خصوص بدون دستور
عمل نموده‌اند چنین تصور می‌شود که دولت شوروی تعلیباتی برونق
اعلامیه مذکور برای آن‌ها صادر نماید. بهر صورت وضعیت حکه
فلا ایجاد شده است دولت امریکا را متقاعد ساخته است که منافع
مشترک همه درایشکننده نیروهای شوروی و انگلیسی و امریکایی
باید درک ایران را تخلیه نماید. تا وقتیکه یکی از این نیروها در
غناک بندکومت دوست باقی بماند حوادث و سوء تفاهات ممکن است
واقع شود.

۴ - پیروزی دولت انگلستان

علیر کبیر انگلستان در مسکو نیز با داشتن وزارت امور
خارج شوروی تسلیم داشته در آن می‌نویسد :
نظر دولت متبوعه من ، کاملاً بی‌سیاست دولت ایران در خاک
خود خواهان استقرار نظم باشد و کاملاً مشروع است که نیروهای
تامین خود را ؛ این منظور در سراسر کشور شوروی بکندند.
طبق ماده یک عهدنامه بین دولت شوروی و انگلستان و ایران
مورخ ۹ ژانویه ۱۹۴۶ ، دولت شوروی و انگلستان ، متعهد به معترض
داشتن ثابت ارضی - حق حاکمیت و استقلال سیاسی ایران ، هده‌اند
و ماد چهاردهم پیمان مشرعات برانینگ ، حضور نیروهای متقلین
در خاک ایران ، جنبه اختلال نظامی ندارد و تا می‌توان از مداخله
در اداره امور و نیز امور تیرو های تمبئی ایران ، مندرخواهد
شد .

بجلاوه ، در اعلامیه سه فوالت بزرگ دیواره ایران که در تهران ،
در اول دسامبر ۱۹۴۳ صادر شده ، دولت اتحاد جماهیر شوروی ،
انگلستان ، امریکا علاوه خود را در استقلال ، حق حاکمیت و تمامیت
ارضی ایران ابراز داشته ، لذا دولت متبوعه من احساس می‌کند که
بعل مقننات نظامی شوروی در منوقت ساختن نیروهای ایرانی ،
هنگامی که بسوی آذربایجان میرفته‌اند ، بر اثر سوء تفاهمی در عمل بوده
است . دولت متبوعه من اعتقاد دارد که دولت شوروی خود را قادر
خواهد دانست که فرماندهی خود در ایران مستورهده آزادی عمل
نیروهای ایران را سلطه نکنند و مداخله ای در اصل حق حاکمیت دولت استرار
نظم در خاک ایران نمایند .

و حوالی آزارات نبود. از آنجا که می‌خواستیم فقط تاریخچه مختصر
آزارات را بنظر خوانندگان برسانیم از حرکت نمایان ملی که در راه
استقلال آزادی کرد در نقاط مختلف کردستان با قوای ترک در خود خورد
بوده و کارهای سیاسی خارق العاده می‌نمودند یعنی تسودیم این نمایان بین
از سقوط آزارات هم حرکت خود را دنبال کرده شعوبا درونهای
کوهستان های سابق و دردن پسینی که امیرد کتر کارمان یک بدخان
هم در مقام‌های که بنام کردستان در روزنامه خود ولوزورود
که بزین فرامه در بیروت چاپ می‌شود نگاشته است. این حرکت مایون
تاسال ۱۹۳۸ نیز ادامه داشته است.

سقوط آزارات زبان زامه‌داران و قلم‌نویسندگان ترک به راجعانی داد
مصدود اسمدیله وزیر عدلیه جمهوری ترکیه در نظلی که در دهر ابدیش
ایراد نموده روزنامه ملیت در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۰ آنرا منتشر
کرد در حدود حاکمیت جمهوری ترکیه سیاست برتری نژاد ترک را اعلام
داشت و گفت
«دوست و دشمن باید بداند آقای این مملکت ترک است. کسانی
که در گورهای بد نشان خون صاف ترک نداشته باشند در وطن ترک بی‌گفت
حق یک دارند آن هم لوکری و پندگی است»
(ترجمه از انقبضه (کردیه)

نطق ضف غط معاصره معلوم شده بود. غروب مواشی راجعاً گذاشته با
ذن و بیه مایشان از دو نطقه شروع بفرج نمودند دست اولیا یک حمله
شایه ای معاصره را خشکت روز دیگر چند ساعت از روز گذشته خارج
شدند. همه مردم برای اغفال دشمن بی‌استقامت فورا خانه و روز را آنجا
گنوراندید شب دوم رهالی بمانند. همه ای هم از فوراخان بدخل ترکیه
پراکنده شدند از این همه و شوقی سلو رئیس جنگاور طایفه بکتران با
عده خود متنی در منطقه کلیه زبان اقامت کرده شکست نامی به قوای
ترکیه وارد آورد ولی غایتی بود چنگی نگرفته. باین ترتیب آزارات ،
آن سر کر آزادی کرد بدست ترکها ائتاده بوده سیاست کردگنر اکثر
طرف شروع شد.

فرماندهی ترکیه در اتای چنگهای آزارات با غلظت آقا رئیس
ایل جلای ایران که از طرف فرماندهی ماکو ضربت عالی خودده بود
بیانهای شفاهی و کتبی فرستاده او را تطمیع و ایل خود بترکه دعوت
می‌نمود. متوالی پس از سقوط آزارات از ترس دولت ایران با ایل
غلخان ترک به مهاجرت نمود.
در شاهراه گذشته بنسبیتی توضیح دادیم که دامنه قیام ملی کرده
بنام مرکز ادارات تا بر سرحد سوریه و عراق کشیده شده متعسر بکوه

کوهستان

یادداشت سفارت شوروی

بنیه از صفحه ۱

فصل مبارزه کنیم و تا این کانون قادر به برقراری آتش مرگ باشد مسا نباید تحولات اساسی را در اوضاع خود منظر باشیم.

وزارت امور خارجه ایران یادداشتی به اتحاد جماهیر شوروی تسلیم می کند و در آن علی را ذکر می نماید که اینجاست که فوای منظم هوات ایران به استان های شمالی ایران برود ، سفارت شوروی جواب منفی میدهد. این چه معنی دارد !!

اگر ایران همت اگر ملتی وجود دارد ، اگر دولتی ملی و مجلس ملی دارد هیچ دولت بیگانه ای بر او تکیه دوست و عزیز هم باشد حق ندارد در امور داخلی او دخالت نماید.

لازم نیست که دولت ایران اجازه بخواهد که مداخلات دارد و گردان نظامی به قلان شهرستان فرستد ، و تفک نیست که علت قتل و انتقال نظامیان خود را شرح بدهد .

ولی عیب اینجاست که مجلس مامول ملی نیست و دولتی را که بر سر کار می آید اکثر مورد توجه و ملاحظه و با اعتدال ملت نیست . بگذریم از اینکه رئیس دولت فعلی مورد ملاحظه و اعتدال مردم است و چنه تن از وزیرانش هم مورد اعتدالند و شاید بهائی هم فعلی بکار دعوت شده باشد ولی در حال حاضر هم مردم اطمینان ندارند که مجلس بدون نظریات خاصی بدون تحصیل و بدون فشار و بدون باج تابعی پیدا و حقیقتاً از آن پشتیبانی کند . اگر الا این اطمینان خاطر بود شاید بسیاری از مشکلات حل میشد .

ولی وقتیکه مجلس مسا از دست نشاندگان اجنبی تشکیل یافته و متکی به ملت واقعی نیست آنها همان آبراهه دیگران اقدامات ملی میدانند از این چنه تعصبات آن آبراهه جوانهاش خواهند داد که ترا خودشان بپاشی .

اگر در جوابی که سفارت شوروی بیادداشت وزارت خارجه داده وقت کنیم خواهیم یافت که این جوابی نیست که بشکند بزور که آزادخواه که عسدار آزادی ملت است بیگانه ملت ضعیف دوست و همناسه بود باشد بلکه جوابی است که آزادی شوروی را در سلگی سواکی از هم رسالت آیم نه از ملت ایران بلکه از همان طایفه ها که ای که خود ایران را هم از آن آبراهه بیزارند .

بنا بر این برای اینکه از دخالت

اوضاع کاسته شود و برای اینکه هوات ماسخر بتواند از ایران های کنونی و خطرات آن جلوگیری کند قبل از هر چیزی کوتاه کردن دست های ناپاک آورده و رکنین است از جاهای حساس .

اگر آقای حبیبی که مورد ملاحظه و اطمینان عامه ایرانیان است بتواند در این راه بدون فوت وقت قدمهای مؤثر بردارد علاوه بر اینکه میتواند اطمینان مارا جلب کند مردم را نیز بایسته مملکت امینوار ساخته و متوجه او چه ملی خود را با نیروی ملی پشتیبانی نماید و بدین ترتیب بزرگترین خدمت را در این اوقات تیره بقتی بپای و مملکت بنمایاند ولی هر که اینان قطع آن ایادی ناپاک را بشتورت و مطالعه و جلب رضایت همسایگان و نظریه کلیان و غیره موقوف کند نتواند گران بهاء و دقیق حساس را بیرون از دست داده مملکت را دچار بحران های شدید تر خواهد ساخت بدینوسیله است در این حال چاره ای جز کنار گیری نخواهند داشت .

سلام بر تو ای کوهستان

سلام ای اختر فرزندان و ای ستاره آسمان تاریک کوهستان . بر تو مه خفایت نور علم و دانش تو معرفت و پیش از در قلوب پاک این دور افتادگان مهور تابان نمود و انگسرس احساسات شاه دوستی و مبین پرستی را فرزندان آری براسی ستاره تابانی اختر فرزندان .

زمانی که دست ناپاک دشمنان آن ماه تابان را خسوف نمودند و چنه گاهی در پس آبرهای سیه قامی پنهان شدی انکار ملت و خواطر حقیقت گان متوجهت بود و با چشم انتظار ، انتظار طلوع نور افتابیت می کشیدند .

درد بر تو ای بنگانه آرزو دلیری که برای دفاع از حقوق حقه ما مهاجرگان دامن همت بر گزیده و از ناملایبات نسی هراسی . شادو جاوید باش ای سایه امید برومند باش ای پناه غرم . آگاه باش که دیگر چهار دیوار زندان مانع نشراکت آرزوخواهان نیست .

دیگر نبوده اند کلیه زبان و ایندندند و خامه تو را و عسکوار بکشند . این بود بهام من بنو ای کوهستان محبوب

از پانه - شاهین

برای اطلاع فرمانداری کردستان

ز بخشدار سقز شکایت می رسد و می گویند سوه استفاده هاتی بدستبازی حسابدار آتبا میشود از جمله میگویند:

۱- گردول ضمای و محمد قاسم احمدی که هر یک چندین بار دکان بنا نموده بودند نظر بخشدار واقع شده بنوان اینکه زمین هالی که در آن دکانها ساخته شده متعلق بشهررداری است . بر روی نامه ی برایشان تشکیل شد بعداً سازش روی داد و اشکال بر رویه مرتفع شد و شاهنشاه در این موضوع صحبت غائی و پول گرفتن در میان نبوده است .

۲- حاج ملا عبدالله نام گویا یکسده و پنجاه حلب روغن به طهران حمل نمینوده میگویند از هر حلب روغن حاجی ملتی پول گرفته شده و شاهنشاه این پول هم رشوه کرده و بابت حق فروش منظور شده باشد .

فلا برای سوه هین دو موضوع کوچک است اول تضاعف پس از تحقیقات فرمانداری مستخرج بمطالع دیگر اطلاع حاصل خواهد بود در صورتیکه لازم باشد مستخرج می توانیم کمک کافی بپوشش نمودن قضایا بنماییم .

برای اطلاع اداره کل دخانیات

مطرز عدل آقای مهندس هاشمی ناظر غربیه دخانیات کردستان و سید سعید نام صادقی موجب عدم رضایت مردم شده برای سوه فلا تلگرافی که از ستانج رسیده درج میکنیم پس از وصول اطلاعات کافی جزئیات عملیات آقایان را هم خواهیم نوشت و ای ثیل از خود کافی میبایست توجه اداره کل دخانیات را جلب کند که تحقیقات لازمه نمود تصدیق متقاضی که متاسب با موقعیت فعلی باشد اتخاذ نمایند اینک تکلیف

اداره معتم دخانیات کیبه وزارت دارائی کیبه جناب آقای آصف کیبه کوهستان . اینجانبان زار هین کوماسی و سکلار تران پس از سکال زحمت مقداری توتون حمل آورده بدعاغلت ستانج وارد بقعانه آقای هاشمی ناظر غربیه عوض تشوین اغلب زارع را بیرون سکرده توتون در زیر باران و کاپه فاند شده ناظر غربیه در روز است برای تفریح بسفر رفته است . داده ای هقوم را ملاقات پس از بازگشت غربیه نماید تفاوت ببعودت است ؛

نماینده کلانتران و کوماسی . میرواسن بیر - سرزاده و فتح اله کمکی .

برای اطلاع و توجه اداره کل زاندرمری

در شب ۲۶ آبان ماه ساعت هفت و نیم بعد از ظهر در ۱۳ چین لومری همدان در جاده مابین ساره قهقهه مسلح جلو جاده را مسدود نمودند کامیون شماره ۳۰۰ همدان را که متعلق به آقای سعید سلطانها بوده گند کرده بملامه زبان نفرانی هم به بعد کامیون و لاشها وارد آورده اند .

ای دویند کامیونی است که در هراس شب سه ساین مسلح در همان نقطه بود در حومه خود مستتره فرار کرده اند که متاسفانه چندین جالب توجه مأمورین مربوطه را کشته است .

کتاب الفبای آسان

که با آن هر کسی می تواند در یک هفته عملاً با سواد گردد در هر صد صفحه با این خط و خط تازه انتشار یافت بهای پنج ریال جای فروش کتابفروشی تهران خیابان لاله زار کنایفروشی خیابان سیدی کافی ۳۳۳ دفتر روزنامه کوهستان خیابان پهلوی کاشی ۱۵۲

محل اداره : خیابان پهلوی روبروی کوچه مرصخانه وزیری تلفن ۸۵۴۹